

تحریم اقتصادی از دیدگاه حقوق بین‌الملل و بررسی تحریمهای اقتصادی ایران در زمینه هسته‌ای

دکتر وحید آرای - دکترای سیاستگذاری عمومی - دانشگاه تهران
ابوالفضل قاسمی - دانشجوی دکترای علوم سیاسی - دانشگاه مازندران

چکیده:

نظر به وابستگی اقتصادی روزافزون کشورها به یکدیگر و اهمیت روابط میان آنها، تنظیم‌کنندگان منشور سازمان ملل متحد، تحریم اقتصادی را بعنوان ابزاری برای وادار کردن دولتها به رعایت مقررات این منشور در نظر گرفته‌اند. از این رو کاربرد تحریم اقتصادی تنها از سوی این سازمان می‌تواند مشروع باشد و اقدام به تحریم اقتصادی یکجانبه حتا به صورت جمعی از سوی دولتهای عضو سازمان، ناقض منشور به نظر می‌رسد. ایران در سالهای گذشته چند بار به علت فعالیتهای صلح‌آمیز هسته‌ای خود با تحریمهای سنگین اقتصادی اعمال شده از سوی برخی کشورها و بویژه ایالات متحده روبه‌رو شده است. از آنجا که برپایه پیمان منع گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای، دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای حق مسلم کشورهاست، در حقیقت فشار دولتهای تحریم‌کننده، نه برای تأمین هدفهای تعریف شده در منشور سازمان ملل، بلکه بیشتر از سر غرض‌ورزی سیاسی و دشمنی‌های دیرینه بوده، زیرا آرمانس بین‌المللی انرژی اتمی حق همه کشورها را برای غنی‌سازی صلح‌آمیز اورانیوم شناخته است. بنابراین پرسش اصلی این است که جایگاه تحریمهای اقتصادی در مورد ایران در زمینه هسته‌ای از دیدگاه حقوق بین‌الملل چیست. تحریمهای اقتصادی بعنوان ابزاری از سوی غرب و شورای امنیت که زیر نفوذ کشورهای غربی است در مورد برخی کشورها همچون ایران به کار گرفته شده است. تحریمهای یکجانبه‌ای هم از سوی آمریکا و چند کشور غربی در مورد ایران اعمال شده که با تضمین صلح و امنیت بین‌المللی، به رسمیت شناختن حق تعیین آزادانه سرنوشت و اصل منع کاربرد زور در روابط بین‌الملل در پرتو منشور ناسازگار است.

۱. پیشگفتار

یکی از راههای پیش‌بینی شده در منشور ملل متحد برای فشار آوردن بر کشورهای ناقض صلح یا متجاوز، برقراری تحریم بعنوان یک راهکار غیرنظامی است. این وظیفه مهم به شورای امنیت سازمان ملل یعنی مهمترین رکن پاسدار صلح و امنیت بین‌المللی سپرده شده است. شورای امنیت وظایف و اختیاراتی دارد که شامل تشخیص هرگونه تهدید نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی یا منطقه‌ای و برقراری تحریمهای اقتصادی یا اقدام نظامی در برابر متجاوز و اجرای مسئولیت سازمان ملل در مناطق استراتژیک جهان می‌شود.

برپایه ماده ۴۱ منشور در فصل هفتم، شورای امنیت می‌تواند در برابر تهدید شدن امنیت و صلح بین‌المللی، با اعمال تحریم واکنش نشان دهد. پرکاربردترین و کاراترین تحریمها، تحریمهای اقتصادی است که از سوی شورای امنیت و برپایه ماده ۴۱ منشور اعمال می‌شود. این تحریمها از دهه ۱۹۹۰ به این سو افزایش چشمگیر داشته است به گونه‌ای که از این دهه بعنوان «دهه تحریم» یاد می‌شود. پیشینه این تحریمها به دوران جنگ سرد و تحریم کشورهای رودزای جنوبی در ۱۹۶۶ و آفریقای جنوبی در ۱۹۷۷ برمی‌گردد. پس از جنگ سرد، شورای امنیت تحریمهای مشابهی در مورد

● **تنظیم‌کنندگان منشور سازمان ملل متحد، تحریم اقتصادی را بعنوان ابزاری برای وادار کردن دولتها به رعایت مقررات این منشور در نظر گرفته‌اند.** از این رو کاربرد تحریم اقتصادی تنها از سوی این سازمان می‌تواند مشروع باشد و اقدام به تحریم اقتصادی یکجانبه حتماً به صورت جمعی از سوی دولتهای عضو سازمان، ناقض منشور به نظر می‌رسد.

مشروع است، به رعایت قواعد بین‌المللی بستگی دارد و تابعان حقوق بین‌الملل باید در اعمال تحریمهای اقتصادی، برخی محدودیتهای حقوقی را بپذیرند و در چارچوب آن اقدام کنند. در بند یک از ماده یک منشور، یکی از هدفهای ملل متحد «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» دانسته شده است و سازمان برای پیشگیری از به خطر افتادن صلح و از میان برداشتن خطر و سرکوب رفتارهای تجاوزکارانه یا دیگر موارد نقض صلح و تعدیل یا فیصله دادن به اختلافها یا اوضاعی بین‌المللی که ممکن است به نقض صلح بینجامد، از راههای مسالمت‌آمیز و مطابق با اصول عدالت و حقوق بین‌الملل دست می‌زند.

تحریم اقتصادی را می‌توان تدبیر قهرآمیز اقتصادی برضد یک یا چند کشور برای دگرگون کردن سیاستهای کشور هدف تحریم یا دست‌کم بازگوکننده نظرات کشورهای تحریم‌کننده در برابر تحریم‌شونده تعریف کرد (Barrye, 1988:4). به سخن دیگر، تحریم اقتصادی از اقدام سلبی در قطع روابط اقتصادی کشورها با یکدیگر برمی‌خیزد و می‌تواند ابزاری برای رسیدن به هدفهای سیاست خارجی از سوی کشورهای دیگر شمرده شود. هدف کشور تحریم‌کننده تحریف روابط اقتصادی کشور تحریم‌شونده با کاهش دادن سطح بازرگانی بین‌المللی آن کشور است (خواجی، ۱۳۹۱: ۶). برسرهم در تعریفی جامع‌تر، تحریم روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت یا مجموعه‌ای از دولتها برای گوشمالی یا ایجاد رفتار مورد قبول در

یوگسلاوی، آنگولا، لیبی، رواندا، لیبیا، هایتی؛ سودان و ایران وضع کرده است. هدف اساسی از برقراری تحریمهای اقتصادی، جلوگیری از هنجارشکنی اعضای جامعه بین‌الملل و تشویق به رعایت این اصول و هنجارهاست، اما در این سالها شورای امنیت زیر فشار قدرتهای بزرگ، رویکردی دوگانه در برابر اعضای سازمان داشته است. برای نمونه، ایالات متحده آمریکا که به بهانه‌های گوناگون به کشورها و دولتهای دیگر می‌تازد، یا تهدید به عملیات نظامی می‌کند، یا اسرائیل که منشأ بسیاری از بحرانهای منطقه‌ای است، از هرگونه اقدامات تحریمی برکنار مانده‌اند. از جنگ جهانی یکم تا کنون ۱۸۳ مورد تحریم اقتصادی اعمال شده است که ۱۴۰ مورد آن از سوی آمریکا صورت گرفته است. در این پژوهش با تمرکز بر بررسی تحریمهای اقتصادی از دیدگاه حقوق بین‌الملل عمومی می‌کوشیم مشروعیت یا مشروع نبودن تحریمهای اقتصادی را در عرصه حقوق بین‌الملل ارزیابی کنیم. واقعیت این است که تحریمهای یکسویه اقتصادی از دیدگاه منشور ملل متحد و قطعنامه‌های سازمان ملل و برسرهم هنجارهای بین‌المللی توجیه‌پذیر نیست و حتی تحریمهای اقتصادی شورای امنیت نیز در چارچوب هدفها و نیات سازمان ملل و شورای امنیت قرار نمی‌گیرد. تحریمهای اقتصادی حتماً با قواعد و هنجارهای حقوق بین‌الملل که کشورهای غربی نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری آن داشته‌اند، چندان همخوان نیست.

۲. ماهیت و پیشینه تحریم اقتصادی

امروزه تحریم اقتصادی همچون ابزاری برای تضمین اجرای قواعد بین‌المللی و نیز پاسداری از صلح و امنیت بین‌المللی، اهمیت بسیار یافته است. این اقدام، در اصل، از دیدگاه حقوق بین‌الملل مشروع است، مگر آنکه هدف از آن فشار آوردن و سلطه بر دیگر کشورها یا مغایرت آن با تعهدات قراردادی کشورها باشد. اعمال تحریمهای اقتصادی در مواردی هم که

واقع بخشی از تحریمهای تجاری و مالی است که توان نظامی کشور مورد تحریم را هدف قرار می‌دهد. ممنوعیت صدور جنگ‌افزار به کشور هدف از جمله تحریمهای نظامی است.

پیشینه تحریم به منزوی کردن اقتصادی - اجتماعی یک زمیندار انگلیسی در ایرلند از سوی مجمع سرزمین ایرلند به علت رفتار ظالمانه آن مالک برمی‌گردد که این اصطلاح از حقوق روابط کار به سپهر بین‌الملل و آرام‌آرام به حقوق بین‌الملل عمومی گسترش می‌یابد. جامعه ملل در فاصله دو جنگ جهانی، چهار بار به تحریم یا اعمال تحریم دست زد که تنها دو بار آن موفق بود. در واقع جامعه ملل نتوانست با بهره‌گیری از تحریم جلوی حمله موسولینی به ایتالیایی و تصرف آن کشور در سالهای ۱۹۳۵ و ۱۹۳۶ را بگیرد. سازمان ملل متحد نیز پیش از تحریم عراق در ۱۹۹۰ تنها دو بار دست به تحریم همه‌جانبه زد. یکی در مورد رودزیا در ۱۹۶۶ و دیگری تحریم نظامی همه‌جانبه در مورد آفریقای جنوبی در ۱۹۷۷. هدف این تحریمها یا تنبیه است، یا بازدارندگی یا تغییر رفتار. نکته بسیار مهم و جالب اینکه تحریم گاه معطوف به سیاست داخلی، تأمین نظر گروهها و به دست آوردن رأی است. کارشناسان، تحریم چین از سوی آمریکا و اروپا به علت ناآرامیها در میدان تیان آن‌من، نمونه‌ای از این دست می‌دانند. هدف دولت آمریکا از این تحریم تنها نشان دادن خود بعنوان دولتی حامی حقوق بشر بود. آمریکا بیش از هر کشور دیگر از ابزار تحریم بهره جسته است. دولت کلبنتون ۳۵ کشور را مورد تحریم یکجانبه قرار داد که ۴۲ درصد جمعیت جهان را شامل می‌شدند و مصرف‌کننده ۱۹ درصد صادرات جهان بودند. آمریکا خود از تحریمهای اعمال شده زیانهای بسیار دیده است. برپایه برآورد بنیاد هریتیج، تحریم اقتصادی ۲۶ کشور جهان، صادرات آمریکا را ۱۹ میلیارد دلار کاهش داد، ۲۰۰ هزار شغل را در بخش صادرات از میان برده است و کارگران در بخش صادرات از باب

کشور دیگر است. با وجود این، چهره تحریم بیشتر در روابط اقتصاد بین‌الملل آشکار می‌شود؛ آنجا که کالاها و خدمات یک دولت خاص بایکوت می‌شود (گراهام و نونام، ۱۳۸۱: ۹۶).

از نگاهی دیگر، تحریمهای اقتصادی را می‌توان به تحریمهای یک‌جانبه یا چندجانبه کشورها یا تحریمهای اقتصادی وضع شده از سوی شورای امنیت در مورد کشورها تقسیم کرد؛ ولی امروزه تحریمهای اقتصادی، بیشتر اقدامی یک‌جانبه از سوی آمریکا یا اتحادیه اروپا یا تحریمهای جمعی سازمان ملل است.

تحریم اقتصادی بیشتر جانشین جنگ و کاربرد زور شمرده می‌شود و روابط اقتصادی، بازرگانی و مالی گوناگون را دربر می‌گیرد. تحریمهای اقتصادی در یک تقسیم‌بندی موضوعی به چهار گروه کلی تحریمهای بازرگانی، مالی، مسافرتی و نظامی تقسیم می‌شود. تحریمهای بازرگانی شامل ممنوعیت فروش و دادوستد کالا و خدمات با اشخاص هدف است که به دو بخش تحریمهای صادرات و واردات تقسیم می‌شود. تحریمهای مالی برپایه نهادهای مالی، سه حوزه بانک، بیمه و بورس را دربر می‌گیرد. تحریمهای مسافرتی یکی از رایج‌ترین تحریمهاست که با ایجاد محدودیت برای مسافرتها دریایی، هوایی یا زمینی اشخاص هدف را زیر فشار قرار می‌دهد. منع صدور روایید برای افراد خاص از جمله این تحریمهاست (Hafbauer and other, 2007: 45). تحریم نظامی در

● برپایه ماده ۴۱ منشور در فصل هفتم، شورای امنیت می‌تواند در برابر تهدید شدن امنیت و صلح بین‌المللی، با اعمال تحریم واکنش نشان دهد. پرکاربردترین و کاراترین تحریمها، تحریمهای اقتصادی است که از سوی شورای امنیت و برپایه ماده ۴۱ منشور اعمال می‌شود. این تحریمها از دهه ۱۹۹۰ به این سو افزایش چشمگیر داشته است به گونه‌ای که از این دهه بعنوان «دهه تحریم» یاد می‌شود.

دستمزد یک میلیارد دلار زیان دیده‌اند.

۳. مبانی نظری پژوهش

در سیاست بین‌الملل، دو منطق در زمینه کارکرد کشورها در تحریم دیگران وجود دارد. از یک دیدگاه، نظام بین‌الملل دربرگیرنده واحدهای سیاسی برابر است و خود نظام نیز در وضع آنارشی است. بدین‌سان، در نظامی که یک حکومت جهانی وجود ندارد که بتواند نظم سیاسی را برقرار کند، کشورها بر پایه اصل خودیاری برای دفاع از خود دست به اقداماتی همچون تحریم می‌زنند. از سوی دیگر، نظر فیلسوفان و جامعه‌شناسان قرار دارد. از دید این گروه، در زمینه تنبیه، باید نوعی سلسله مراتب موجود باشد تا یک کنشگر بتواند در سطح بین‌المللی کنشگر دیگری را تحریم کند. از این دیدگاه، کشورها را نباید بازیگرانی برابر فرض کرد؛ یعنی تحریم اقتصادی در واقع اقدام قدرت برتر بر ضد کشور فرودست به منظور تنبیه آن و در پاسخ به رفتاری است که مورد علاقه کنشگر هژمون نبوده است. این اقدام قدرت برتر یا هژمون نیز نه برای حفظ و بقای نظم هژمونیک، بلکه به منظور برقراری نوعی هنجار تازه در سطح بین‌المللی است که با خواستها و نیازهای کشور هژمون همخوان باشد (زهرانی، ۱۳۸۷: ۷).

تحریم بعنوان دیپلماسی اجبار، آمیزه‌ای از دیپلماسی و تهدید است، ولی عنصر تنبیه در همه تحریمها وجود دارد. با این همه، پاره‌ای از تنبیه‌ها برای رسیدن به هدف اعمال می‌شود. چنین تنبیهی بر نوعی عقلانیت استوار است. تحریمهای دارای عقلانیت خود بر دو گونه است: اجبارآمیز و کنترل‌گرا. این تحریمها از سه بُعد با هم فرق دارند: هدف، مخاطب و شیوه اجرا (آشکار، پنهان یا آمیزه‌ای از هر دو). در تحریم اجباری، طبقه خاصی از جامعه یعنی نخبگان دولتی هدف هستند و مراد، تغییر رفتار است و آشکارا اعمال می‌شود. اما در تحریم کنترل‌گرا، هدف اصلی، تغییر رژیم و بی‌ثبات کردن است. مخاطب اصلی آن مردمان عادی‌اند؛ به صورت

• امروزه تحریم اقتصادی همچون ابزاری برای تضمین اجرای قواعد بین‌المللی و نیز پاسداری از صلح و امنیت بین‌المللی، اهمیت بسیار یافته است. این اقدام، در اصل، از دیدگاه حقوق بین‌الملل مشروع است، مگر آنکه هدف از آن فشار آوردن و سلطه بر دیگر کشورها یا مغایرت آن با تعهدات قراردادی کشورها باشد. اعمال تحریمهای اقتصادی در مواردی هم که مشروع است، به رعایت قواعد بین‌المللی بستگی دارد و تابعان حقوق بین‌الملل باید در اعمال تحریمهای اقتصادی، برخی محدودیتهای حقوقی را بپذیرند و در چارچوب آن اقدام کنند.

آمیزه‌ای از رفتارهای آشکار و عملیات پنهانی اعمال می‌شود؛ هدف آن ایجاد وابستگی اقتصادی است که به ناآرامی و شورش سیاسی منجر می‌شود (زهرانی، ۱۳۸۷: ۱۰-۱۱).

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان الگوهای گوناگونی از تحریم را در نظر گرفت که در هر یک از آنها از زاویه‌ای ویژه و با برجسته کردن برخی حوزه‌ها به تحلیل این پدیده و نیز پیش‌بینی آثار احتمالی آن بر دولت تحریم شده پرداخته می‌شود. برای نمونه، یکی از اندیشمندان سه الگوی تحریم را مفهوم‌بندی کرده است: ۱. الگوی انقلابی: که در قالب آن، نظام سیاسی به اندازه‌ای تضعیف می‌شود که راه برای فروپاشی آن هموار گردد؛ ۲. الگوی اشکلک: در این الگو، هزینه‌هایی که از سوی تحریم‌کنندگان بر کشور تحریم شده بار می‌شود، به اندازه‌ای است که آن کشور بر پایه منطق هزینه - فایده، وادار به تغییر رویکردها و سیاستهای خود می‌شود؛ ۳. الگوی تکاملی: در این الگو، آمیزه‌ای از تنبیه و تشویق برای اثرگذاری بر رفتار دولت تحریم شده به کار گرفته می‌شود تا رفته‌رفته دگرگونی مورد نظر در رفتار آن پدید آید (Crawford, 1999: 26).

۱-۳- دیپلماسی تحریم

در چارچوب دیپلماسی تحریم کوشیده می‌شود که

است. دیپلماسی تحریم هنگامی کارساز می‌افتد که با انگیزه‌های مثبت همراه باشد و زمینه‌ها و بخشهای مهم و با ارزش رقیب را هدف قرار دهد (Bratton, 2005: 106).

۲-۳- دیپلماسی اجبار

نظریه دیپلماسی اجبار و سیاست تحریم بر پایه مفروضات مدیریتی و راهبردی تنظیم شده است. برپایه چنین رهیافتی، هرگونه کنش بازیگران در قالب سازوکارهای روابط سازنده با نیروهای هدف تحلیل می‌شود. نظریه تبادل اجتماعی و اقتصادی چهار مفروض دارد: نخست، افراد در پی پاداش هستند و از مجازات دوری می‌کنند؛ دوم، افراد موجوداتی منطقی هستند؛ سوم، معیارهایی که انسانها برای ارزیابی هزینه‌ها و پاداش‌ها به کار می‌برند از زمانی به زمان دیگر و از انسانی به انسان دیگر فرق می‌کند؛ چهارم، روابط اجتماعی، اثرپذیری و اثرگذاری متقابل دارند. برپایه این نظریه، بازیگران در زمینه سیاست بین‌الملل، در روابط متقابل و چندجانبه، در پی بیشینه سازی سود راهبردی‌اند و روابط بشری از راه تحلیل ذهنی سود - هزینه و مقایسه گزینه‌های گوناگون با هم شکل می‌گیرد. هزینه، ارزشهایی منفی است که یک رابطه از دید افراد می‌تواند داشته باشد. در این دو نظریه، مفروض آن است که کشورها و دیگر کنشگران بین‌المللی بر پایه «تحلیل سود - زیان مبتنی بر وضعیت» تصمیم می‌گیرند؛ یعنی کنشگران با توجه به گزینه‌های موجود و مقایسه آنها با هم و ارزیابی هر یک از آنها بر پایه تحلیل سود - هزینه مبتنی بر وضع ذهنی که شامل ارزشها، باورها و تصورات است و وضع عینی که شامل وضع اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی است، با هم در کنش و واکنش هستند و بر هم اثر می‌گذارند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۹).

تحریم اقتصادی از مفاهیمی است که گرچه دارای ماهیتی سیاسی در سطح روابط بین‌الملل است ولی همواره خود را به شکل حقوقی نشان می‌دهد. این‌گونه تحریمها که در عرصه اقتصاد بین‌الملل سرب

به‌جای کاربرد زور، کشور هدف مجاب شود دست از اقداماتش بردارد. در این راهبرد، اقدام نظامی همه‌جانبه به منزله شکست دیپلماسی تحریم است. در این استراتژی که شکلی از گفت‌وگوی انتقادی است، از تهدید، انگیزه‌های مثبت و منفی و تشویق و ترغیب بهره گرفته می‌شود. نخستین بار الکساندر جورج اصطلاح دیپلماسی تحریم را به کار برد. هدف دیپلماسی تحریم، منصرف کردن کشور هدف از دست زدن به کار یا کارهای معینی است. دیپلماسی تحریم سه ویژگی اصلی دارد: تقاضا، تهدید و مجازات و ایجاد فرصت برای موافقت (Schaub, 1998: 44). متقاعد ساختن طرف مقابل، هدف اصلی از تهدید و تحریم است. همچنین، هزینه‌های نپذیرفتن درخواستهای اجبارآمیز، بسیار زیاد است. دیپلماسی تحریم برآورد هزینه را روشن می‌کند و بر آن است که زمینه‌های تعرض و حمله را دور کند تا کشور هدف و ادار به دست کشیدن از فعالیت‌های خود شود (George, 1997: 5). دیپلماسی تحریم شامل سه نوع تهدید است: الف) تهدید سیاسی یا دیپلماتیک که می‌تواند شکل آرام تهدید اجباری باشد؛ ب) تهدید اقتصادی که سنگین‌تر از تهدید اجباری است و تحریمهای گسترده و همه‌سویه را مدنظر دارد؛ پ) تهدید به کاربرد زور که گونه بسیار قوی و تند اجبار

● یکی از اندیشمندان سه الگوی تحریم را مفهوم‌بندی کرده است: ۱. الگوی انقلابی: که در قالب آن، نظام سیاسی به اندازه‌ای تضعیف می‌شود که راه برای فروپاشی آن هموار گردد؛ ۲. الگوی اشکلک: در این الگو، هزینه‌هایی که از سوی تحریم‌کنندگان بر کشور تحریم شده بار می‌شود، به اندازه‌ای است که آن کشور بر پایه منطق هزینه - فایده، وادار به تغییر رویکردها و سیاستهای خود می‌شود؛ ۳. الگوی تکاملی: در این الگو، آمیزه‌ای از تنبیه و تشویق برای اثرگذاری بر رفتار دولت تحریم شده به کار گرفته می‌شود تا رفته‌رفته دگرگونی مورد نظر در رفتار آن پدید آید.

● از دید داکسی، تحریم اقتصادی اقدامی منفی است، با هدف اثرگذاری بر رفتار یک کشور از راه تهدید و در صورت ضرورت، تحمیل مجازات به علت رعایت نکردن قانون. تحریم اقتصادی اهرمی است که کشور مخالف را به این نتیجه می‌رساند که هزینه گردن نهادن به خواست کشور تحریم‌کننده، کمتر از هزینه تحمل تحریم اقتصادی است. بنابراین، نظریه‌های تحریم اقتصادی با قدرت اقتصادی کشورها، رابطه مستقیم دارد. مفروض اصلی در این نظریه‌ها این است که کشور تحریم شده، ناچار از رفاه اقتصادی باز می‌ماند و از این رو به خواست کشور یا کشورهای تحریم‌کننده تن می‌دهد. در این چارچوب است که هواداران تحریم، مبانی نظری خود را تنظیم می‌کنند.

موضوعی تحلیل می‌کنند. دیپلماسی اتصال یک فن نفوذ است. در این فرایند دولتها با سیاستهای خاص، موضوعات به ظاهر نامربوط را وارد بازی می‌کنند تا در موضوعات اصلی امتیاز بگیرند؛ به این معنا که از حوزه‌ای که در آن قدرت دارند، بر حوزه ضعیف طرف مقابل اثر می‌گذارند. این دیپلماسی بر پایه اجبار یا ترغیب یا وعده پاداش در برابر تنبیه عمل می‌کند. اما برخی از کارشناسان، رفتار طرف مقابل را منوط به نفوذ و اثرگذاری می‌دانند. در این روش اتصال و ارتباط موفقیت‌آمیز نه به علت اجبار یا ترغیب، بلکه با القای تدریجی ارزشها صورت می‌گیرد. در نظریه اتصال موضوعی، سه فرایند اطاعت، شناسایی و درونی‌سازی مطرح است که از دو ویژگی تعامل (رسوخ و ایدئولوژی) ناشی می‌شوند. هر فرایند نیز نیازمند زمینه‌های متفاوتی برای موفقیت است. نخست عناصر ملموس مانند اقتصاد؛ دوم عوامل نمادین مانند ارزشهایی چون سرزمین، شخصیتها و سیاستها؛ سوم عوامل متعالی مانند جنگیدن در برابر ترور و دفاع از حقوق بشر و دموکراسی. در این نظریه، هدف هرچه بیشتر نمادین شود، موفقیت تحریم کمتر می‌شود (زهرانی، ۱۳۸۷: ۶-۷)

می‌آورد بعنوان حربه‌ای از سوی دولتها و سازمانهای بین‌المللی بر ضد یک کشور به کار می‌رود. دولتها به دلایل گوناگون در گذر تاریخ به تحریمهای اقتصادی متوسل شده‌اند. یکی از هدفهای تحریم اقتصادی تغییر رفتار کشور تحریم شده در زمینه روابط خارجی است. تحریم اقتصادی بیشتر بعنوان ابزاری در پیگیری سیاست خارجی به کار می‌رود. چنین استدلال می‌شود که هدف از جنگ اقتصادی این است که تا حد امکان به اقتصاد دشمن آسیب زده شود (فلدان و زایدل، ۱۳۷۹: ۳۵۰). از دیگر هدفهای تحریم اقتصادی می‌توان بر بی ثبات کردن کشور از راه فشارهای اقتصادی انگشت گذاشت. در بیشتر موارد، تحریمهای اقتصادی آثار اقتصادی چشمگیر داشته است، اما موفقیت سیاسی آنها چندان درخور توجه نبوده است. در مورد ایران، می‌توان سه دلیل اصلی برای تحریمهای آمریکا برشمرد: ۱. واداشتن ایران به کنار گذاشتن سیاستهای ناخوشایند در برابر آمریکا؛ ۲. مجازات ایران به علت در پیش گرفتن سیاستهای غیرقابل قبول؛ ۳. ابراز مخالفت نمادین با ایران برای جلب نظر گروههای هوادار اسرائیل (علیخانی، ۱۳۸۰: ۴۱).

از دید داکسی، تحریم اقتصادی اقدامی منفی است، با هدف اثرگذاری بر رفتار یک کشور از راه تهدید و در صورت ضرورت، تحمیل مجازات به علت رعایت نکردن قانون (Doxy, 1972: 528). تحریم اقتصادی اهرمی است که کشور مخالف را به این نتیجه می‌رساند که هزینه گردن نهادن به خواست کشور تحریم‌کننده، کمتر از هزینه تحمل تحریم اقتصادی است. بنابراین، نظریه‌های تحریم اقتصادی با قدرت اقتصادی کشورها، رابطه مستقیم دارد. مفروض اصلی در این نظریه‌ها این است که کشور تحریم شده، ناچار از رفاه اقتصادی باز می‌ماند و از این رو به خواست کشور یا کشورهای تحریم‌کننده تن می‌دهد. در این چارچوب است که هواداران تحریم، مبانی نظری خود را تنظیم می‌کنند.

از سوی دیگر، برخی از نظریه‌پردازان تحریم اقتصادی را در قالب دیپلماسی اتصال یا اتصال

۴. تحریمهای اقتصادی از دیدگاه حقوق بین الملل

با بررسی معیارهای جهانی حقوق بشر مندرج در منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسنادی که بیانگر اصول پذیرفته شده بین المللی است، می توان گفت که چنانچه تحریم اقتصادی منجر به رنج و سخت شدن زندگی انسانها شود، از دیدگاه حقوق بین الملل موجه نخواهد بود. بروز اندیشه های بشردوستانه و توجه به حقوق اساسی بشر مبتنی بر کرامت، شخصیت و ارزشهای عالی انسانی باید زمینه ای برای جلوگیری از آسیب زدن به مردمان بی گناه و قربانی کردن آنان برای دستیابی دولتها به هدفهای سیاسی شان باشد (کوشلر، ۱۳۷۶: ۳۰۰).

التزام شورای امنیت به اصول حقوق بین الملل عام در زمینه اجرای تحریمهای اقتصادی بر سه اصل استوار است: اصل انسانی بودن، اصل ضرورت، اصل تناسب. اصل انسانی بودن دامنه ای گسترده دارد و بسیاری از حقوق انسانی را که در چارچوب حقوق بشر نیز نیست در بر می گیرد. معنای اصل انسانی بودن بعنوان یک اصل کلی حقوقی، در اقدامات غیرنظامی شورای امنیت این است که چنین اقداماتی نباید آنچنان شدید باشد که انسانها را دستخوش اوضاع غیرانسانی کند و با خطر بیماری و مرگ روبه رو سازد.

اصل ضرورت در هر مورد که به یک مرجع عمومی اختیارات تشخیصی داده شده باشد، کاربرد دارد. چنین مرجعی باید اطمینان یابد که اقداماتش برای برآوردن هدفهایی اساسی که به خاطر آنها ایجاد شده است، ضرورت دارد. اصل ضرورت در زمینه های گوناگون از جمله روابط بین الملل، حقوق بین الملل بشر و حقوق مربوط به برخوردهای مسلحانه کاربرد دارد. از آنجا که سازمان ملل متحد به اصول کلی حقوق بین الملل ملتزم است، شورای امنیت ملزم به رعایت اصل ضرورت خواهد بود. اصل تناسب با اصل ضرورت ارتباط دارد. اندازه هر محدودیت، درست باید با ضرورت آن همخوان باشد یا متناسب با سود بالاتری باشد که با آن محدودیت، حمایت می شود. اصل تناسب گویای آن است که تحریمها باید متضمن واکنشی مناسب در برابر رفتار کشور تحریم شده باشد. از این رو لازم است که مزایای برنامه تحریم، بیش از زیانهای برآمده از آن باشد (Davidson, 2003: 10-13).

برپایه آنچه گفته شد و با افزایش کاربرد تحریمهای اقتصادی در روابط بین الملل در سده های بیستم و بیست و یکم، این پرسش همواره در مجامع حقوقی مطرح بوده است که آیا اصولاً تحریمهای اقتصادی از دیدگاه حقوق بین الملل از مشروعیت لازم برخوردار است یا نه. از جمع بندی نظریه های گوناگون می توان به سه نظر زیر رسید:

۱-۴- نظریه مشروعیت مطلق تحریمهای اقتصادی

اصل حاکمیت به معنای استقلال و آزادی کشورها از هرگونه سلطه بیگانه در تعیین سیاستهای داخلی و خارجی خود و برابری کشورها بر پایه قانون است (عباسی اشقلی، ۱۳۸۰: ۸۲). بر همین اساس، کشورها صلاحیت لازم برای اعمال حق حاکمیت خود بر قلمرو داخلی خویش پیدا می کنند. منابع طبیعی و اقتصادی نیز یکی از حوزه های حاکمیتی کشورهاست. این نکته زیر عنوان «حاکمیت دولتها بر منابع طبیعی خود» از سوی

● با بررسی معیارهای جهانی حقوق بشر مندرج در منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسنادی که بیانگر اصول پذیرفته شده بین المللی است، می توان گفت که چنانچه تحریم اقتصادی منجر به رنج و سخت شدن زندگی انسانها شود، از دیدگاه حقوق بین الملل موجه نخواهد بود. بروز اندیشه های بشردوستانه و توجه به حقوق اساسی بشر مبتنی بر کرامت، شخصیت و ارزشهای عالی انسانی باید زمینه ای برای جلوگیری از آسیب زدن به مردمان بی گناه و قربانی کردن آنان برای دستیابی دولتها به هدفهای سیاسی شان باشد.

● مجمع عمومی سازمان ملل متحد تاکنون بارها دست زدن به اقدامات قهرآمیز اقتصادی برای رسیدن به هدفهای سیاسی را محکوم کرده و از کشورهای صنعتی خواسته است از موضع برتر خود بعنوان ابزار فشار اقتصادی با هدف تغییر رفتار دیگر کشورها استفاده نکنند.

۲-۴- نظریه مشروعیت نسبی تحریمهای اقتصادی

برخلاف نظر پیشین مبنی بر مشروعیت مطلق تحریمها در حقوق بین‌الملل، مشروعیت تحریمها در این نظریه نه مطلق، که مشروط است. در واقع اقدام متقابل کشورها که گاه در قالب تحریم اقتصادی جلوه می‌یابد، برپایه طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل تنظیم شده است و در این زمینه، رعایت قواعد آمره از نکته‌های مهمی است که در اقدامات متقابل کشورها می‌بایست لحاظ شود. بر همین مبنا هیچ کشوری نمی‌تواند برای جلوگیری از نقض شدن حقوق خود در زمینه بین‌الملل به نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل دست زند. هرچند در هیچ یک از اسناد بین‌المللی، قواعد آمره حقوق بین‌الملل احصاء نگردیده ولی طبق ماده ۵۳ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین قاعده آمره قاعده‌ای است که توسط جامعه جهانی دولتها در کل بعنوان یک اصل پذیرفته و به رسمیت شناخته شده که کمترین تخلف از آن مجاز نیست و تغییر آن تنها توسط قاعده بین‌الملل دیگر با همان مشخصه آمریت امکانپذیر است (حدادی، ۱۳۸۲:۱۱۶).

افزون بر تحریمهای اقتصادی که از سوی کشورها اعمال می‌شود، شورای امنیت بعنوان رکنی از سازمان ملل متحد که وظیفه پاسداری از صلح و امنیت جهانی را بر عهده دارد، برپایه فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، با توسل به اقدامات اجبارکننده، صلح و امنیت جهانی را تضمین می‌کند.

تحریمهای اقتصادی از جمله اقدامات غیرنظامی است که بر پایه ماده ۴۱ منشور در حوزه اختیارات شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه ۱۸۰۳/ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۲ مورد تأکید قرار گرفته است. از این رو کشورها بر پایه حق حاکمیت بر منابع طبیعی خود مجاز به برقراری رابطه اقتصادی یا قطع رابطه اقتصادی در قالب تحریم با دیگر کشورها هستند.

برپایه منشور ملل متحد، حاکمیت همه کشورها برابر است و در پرتو همین برابری، کشورها از مداخله در امور یکدیگر منع می‌شده‌اند. پس خودداری از دادوستد با دیگران، در حوزه حاکمیت و در دایره صلاحیت اختیاری و داخلی کشورها می‌گنجد (خواجی، ۱۳۹۱:۷). گذشته از آن، تحریم اقتصادی در حقوق بین‌الملل منع نشده است و بنابراین بر پایه اصل حاکمیت، در حوزه صلاحیت کشورها قرار می‌گیرد. این نظر از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نیکاراگوئه در برابر آمریکا نیز تأیید شده است. بنابراین، کشورها آزادند که در چارچوب صلاحیتهای ناشی از حاکمیت خویش هرگونه رفتار را که به مصلحت خویش می‌بینند انجام دهند.

با این همه، «اصل حاکمیت کشورها» یک اصل مطلق و بی‌قید نیست که با چنگ زدن به صلاحیتهای ناشی از آن بتوان تحریمهای اقتصادی کشورها در مورد یکدیگر را توجیه حقوقی کرد؛ چنان‌که دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده بارسلونا تراکشون مقرر داشته است که حقوق بین‌الملل «متضمن این تعهد برای دولتهاست که در حوزه صلاحیت خود اعتدال را رعایت کنند و از گسترش صلاحیت خود بوسیله دادگاهها، در مواردی که یک عنصر خارجی وجود دارد، پرهیز کنند و از تجاوز بی‌دلیل به صلاحیت کشور دیگر که وابستگی بیشتری با آن دارد یا به‌گونه مقتضی صلاحیتش قابل اعمال است، خودداری کنند». بدین‌سان، صلاحیت کشورها که از ویژگیهای حاکمیت یا به تعبیر دیگر تجلی اصل حاکمیت کشورها در حقوق بین‌الملل است، محدود به قلمرو داخلی است. (مافی، ۱۳۸۵:۶۸).

حاکمیت دولت نسبت داد» (ممتاز، ۱۳۸۷: ۳۴۴). این واقعیت که وضع تحریمهای اقتصادی همه‌جانبه از سوی شورای امنیت، با حق حیات بعنوان یکی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل سازگار نیست، انکارناپذیر است.

۳-۴- نظریه مشروع نبودن تحریمهای اقتصادی از دیدگاه حقوق بین‌الملل

این نظریه برخلاف نظریه مشروعیت مطلق تحریمهای اقتصادی از دیدگاه حقوق بین‌الملل که برپایه تفسیر موسع از حق حاکمیت کشورها، هرگونه مداخله در حوزه صلاحیت داخلی کشورها از جمله چگونگی روابط اقتصادی و بازرگانی را به شدت رد می‌کند، به اصل عدم مداخله و نسبت آن با تحریمهای اقتصادی نگاهی متفاوت دارد. ماده ۳۲ منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت‌ها اعلام می‌دارد که هیچ دولتی نمی‌تواند از اقدامات اقتصادی، سیاسی یا هرگونه اقدام دیگر برای واداشتن دولتی دیگر به فرمانبرداری بهره گیرد یا این اقدام را تشویق کند. در قطعنامه ۲۱۳۱ مجمع عمومی در ۱۹۵۶ بر این نکته تأکید شده است که هیچ دولتی حق ندارد مستقیم یا غیر مستقیم به هر دلیل در امور داخلی یا خارجی دولت دیگر مداخله کند. پس تحریمهای اقتصادی بویژه تحریمهای ثانویه بر ضد کشورهای ثالث که با کشور هدف تحریم، مبادلات اقتصادی دارند، ناقض اصل عدم مداخله است (حدادی، ۱۳۸۲: ۱۲۰). در واقع تحریمهای اقتصادی با ورود به حوزه آن دسته از امور که در صلاحیت داخلی یک کشور است، سلب‌کننده آزادی آن کشور در تنظیم روابط اقتصادی و مالی خود با دیگر کشورها در عرصه بین‌الملل است؛ امری که در تناقض آشکار با اصل عدم مداخله کشورها در امور داخلی یکدیگر برخاسته از اصل حاکمیت کشورها و برابری حاکمیت آنها در حقوق بین‌الملل است. افزون بر آن، تعهد کشورها به خودداری از دست یازیدن به زور مستند به بند ۴ ماده

می‌گنجد و پس از آنکه طبق ماده ۳۹ منشور، تهدید شدن صلح، نقض صلح یا اقدام تجاوزکارانه احراز شود، در مورد کشور خاصی اعمال می‌شود.

«با توجه به بند (۲) ماده ۲۴ منشور که شورای امنیت را موظف کرده است طبق هدفها و اصول ملل متحد عمل کند و نیز بند (۱) ماده ۱ منشور که تحقق صلح و امنیت بین‌الملل را در پرتو اصول عدالت و حقوق بین‌الملل قابل حصول دانسته، شورا موظف به اعمال حقوق بین‌الملل است. بنابراین شورای امنیت با وجود سرشت سیاسی خود باید حقوق بین‌الملل را فرا راه خود قرار دهد». بدین‌سان، شورای امنیت در کاربرد تحریمهای اقتصادی ملزم به رعایت منشور سازمان ملل، اصول حقوق بین‌الملل از جمله رعایت قواعد آمره، حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بشر دوستانه است.

با این همه، اعمال تحریمهای اقتصادی همه‌جانبه از سوی شورای امنیت، تردیدهای زیادی پیرامون مشروعیت این اقدام و همخوانی آن با اصول حقوق بین‌الملل عام، قواعد آمره و حقوق بشر برانگیخته است؛ زیرا به هنگام تدوین منشور ملل متحد و مواد مربوط به تحریمهای اقتصادی «هنوز اندیشه فرد بعنوان موضوع یا تابع حقوق بین‌الملل مطرح نشده بود و حقوق شخص انسان اساساً از اموری تلقی می‌شد که در صلاحیت داخلی دولت او قرار داشت. به این ترتیب سکوت منشور را باید به نگرش سنتی به اصل

● پیش از پایان جنگ سرد، شورای امنیت تمایل چندانی به کاربرد تحریم از خود نشان نمی‌داد، اما با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و از میان رفتن فضای دو قطبی حاکم بر نظام بین‌الملل، زمینه برای کاربرد بیشتر تحریم از سوی این رکن اصلی ملل متحد فراهم شد، به گونه‌ای که شمار تحریمهای اعمال شده در پنج سال پس از ۱۹۹۰، به بیش از چهار برابر کل موارد اعمال شده در ۴۵ سال پیش از آن تاریخ رسید.

● حق زندگی، بعنوان مهمترین و برترین حقی که دیگر حقوق از آن ناشی می‌شود، در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک و بسیاری از دیگر اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. آثار منفی تحریمها بر حق زندگی شهروندان ایرانی انکارناپذیر است، زیرا پیدایش فقر، ایجاد وقفه در ارائه خدمات اجتماعی، کمبود دارو، افزایش مرگ‌ومیر و... را به دنبال داشته است. تحریمهای اعمال شده، با اثرگذاری منفی بر تولید، اشتغال و درآمد ملی، باعث کم شدن بازدهی اقتصادی، کاهش میزان درآمد و ایجاد شکافهای اجتماعی شده و بر سر هم سطح زندگی و معیشت شهروندان ایرانی را کاهش داده و آنان را از داشتن استانداردهای مناسب زندگی بازداشته است.

مهمترین اقدامات تحریمی یکجانبه، تحریم کشورهای چون ایران، عراق و لیبی از سوی آمریکا در سالهای گذشته بوده است.

تحریمهای یکجانبه را به دلایل زیر می‌توان نامشروع خواند:

۱- مجمع عمومی سازمان ملل متحد تاکنون بارها دست زدن به اقدامات قهرآمیز اقتصادی برای رسیدن به هدفهای سیاسی را محکوم کرده و از کشورهای صنعتی خواسته است از موضع برتر خود بعنوان ابزار فشار اقتصادی با هدف تغییر رفتار دیگر کشورها استفاده نکنند.

۲- کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) نیز اقدامات قهرآمیز بر ضد کشورهای رو به توسعه را محکوم و تصریح کرده است: کشورهای توسعه‌یافته باید از اعمال محدودیتهای بازرگانی، محاصره، ممنوعیت دادوستد و دیگر مجازاتهای اقتصادی مغایر با مقررات منشور ملل متحد در مورد کشورهای رو به توسعه، بعنوان شکلی از اجبار سیاسی که بر توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی این کشورها اثر می‌گذارد،

۲ منشور ملل متحد، تنها ناظر به زور نظامی نیست، بلکه همه گونه‌های زور از جمله سیاسی و اقتصادی را دربر می‌گیرد. از سوی دیگر، اعلامیه ۱۹۷۰ مبنی بر منع کاربرد زور نظامی و سیاسی یا به هر شیوه دیگر، موید این معناست که کاربرد تحریمهای اقتصادی که در آن نوعی زور مستتر است، بر مبنای منشور ملل متحد غیر قانونی است و مشروعیت ندارد (خواجی، ۱۳۹۱: ۱۳). از دیدگاه حقوق بین‌الملل، در زمینه اعمال تحریمهای یکجانبه از سوی یک کشور در مورد کشور دیگر، سه رویکرد وجود دارد:

الف) اعمال این تحریمها برپایه اصل حاکمیت کشورها مجاز است. از آنجا که کشورها در تنظیم روابط خارجی خود با دیگران آزادند، هر کشور از نظر سیاسی حق دارد با کشور دیگر رابطه برقرار یا قطع رابطه کند. این نکته در زمینه اقتصادی نیز صادق است. پس برپایه این رویکرد کشورها می‌توانند برای پیشبرد هدفهای سیاسی خویش کشور دیگر را زیر فشار اقتصادی قرار دهند.

ب) جنگ مستقیم اقتصادی یک کشور با کشوری دیگر مجاز شمرده می‌شود ولی آثار زیانبار آن بر طرفهای ثالث باید به کمترین اندازه برسد. تمرکز اصلی تحریمهای اقتصادی، بر کشور یا کشورهای هدف است و این تحریمها باید دارای کمترین آثار بر دیگر کشورها باشد.

پ) برپایه رویکرد سوم نه تنها تحریم ثانویه، بلکه تحریمهای اولیه نیز مجاز نیست. این رویکرد که تازه‌تر از دو رویکرد پیشین است بیشتر برخاسته از نظریه‌های اقتصادی - سیاسی کلاسیک لیبرال است تا حقوق بین‌الملل. اقتصاددانان سیاسی لیبرال کلاسیک، مدافعان سرسخت تجارت آزادند و هرگونه مانع در راه تجارت آزاد را موجب خسارت به اقتصاد جهانی می‌دانند.

در بررسی نهایی این رویکرد نظری و مقایسه آن با رفتار کشورها به این نتیجه می‌رسیم که اقدامات تحریمی کشورها بر ضد یکدیگر در بسیاری از موارد با وجود ممنوعیتهای حقوقی، رو به گسترش است. از

خودداری ورزند.

۳- تحریم یکجانبه، ناقض حق توسعه کشورهاست. از آنجا که برپایه اعلامیه وین (۲۵ ژوئن ۱۹۹۳) حق توسعه، حق جدایی‌ناپذیر انسانی شناخته شده است، می‌توان اقدامات تحریمی را ناقض این اصل مهم حقوق بشری دانست.

۴- اعمال تحریمهای یکجانبه، مداخله آشکار در امور داخلی و خارجی کشورهاست. این کار ناقض بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد و نیز ماده ۳۲ منشور است. همچنین، قطعنامه‌های ۵۰/۱۰/۴۷/۹ مجمع عمومی نیز که اعمال مقررات فراسرزمینی دولتی را منع می‌کند، با اعمال تحریمهای یکجانبه نقض می‌شود.

۵. بررسی مشروعیت تحریمهای اقتصادی در مورد ایران در پیوند با برنامه هسته‌ای

پیش از پایان جنگ سرد، شورای امنیت تمایل چندانی به کاربرد تحریم از خود نشان نمی‌داد، اما با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و از میان رفتن فضای دو قطبی حاکم بر نظام بین‌الملل، زمینه برای کاربرد بیشتر تحریم از سوی این رکن اصلی ملل متحد فراهم شد، به گونه‌ای که شمار تحریمهای اعمال شده در پنج سال پس از ۱۹۹۰، به بیش از چهار برابر کل موارد اعمال شده در ۴۵ سال پیش از آن تاریخ رسید.

در این بخش می‌کوشیم تحریمهای وضع شده از شورای امنیت سازمان ملل متحد و همچنین کشورهای

● حق دفاع مشروع بر پایه ماده ۵۱ منشور یک «حق ذاتی» شمرده می‌شود که جایگاه والایی نیز در حقوق بین‌الملل عرفی دارد. چنین می‌نماید که قرار دادن جنگ‌افزارهای متعارف (غیر هسته‌ای) در فهرست تحریمهای شورای امنیت، حق ذاتی ایران در دفاع از خویش را خدشه‌دار می‌کند و می‌تواند به تضعیف نیروهای نظامی کشور بینجامد و آنرا در برابر تجاوزات احتمالی در آینده آسیب‌پذیر سازد.

غربی در مورد ایران در پیوند با پرونده هسته‌ای را از دیدگاه حقوق بین‌الملل بررسی کنیم:

۱-۵- تحریمهای شورای امنیت

شورای امنیت سازمان ملل، تاکنون چند بار در چارچوب فصل ۷ منشور، تحریمهایی در مورد ایران وضع کرده است. بررسی پیامدهای این تحریمها نشان می‌دهد که بیشترین رنج و آسیب برآمده از این محدودیتها بر مردمان عادی تحمیل و موازین حقوق بشر به‌گونه گسترده نقض شده است. از آنجا که مسئولیت پاسداری از صلح و امنیت بین‌المللی در پرتو رعایت هدفها و اصول سازمان ملل و مقررات منشور به شورای امنیت واگذار شده است، وضع چنین تحریمهایی به لحاظ نقض شدن مواد ۱، ۲۴ و ۵۵ منشور و دیگر پیمانهای حقوق بشری تخطی از حدود صلاحیت و اختیارات قانونی این شورا شمرده می‌شود و بی‌اعتبار است و به لحاظ تخلف شورای امنیت از تعهدات بین‌المللی خود در زمینه حقوق بشر، موضوع مسئولیت بین‌المللی این شورا و به تبع آن، سازمان ملل مطرح می‌شود. (زمانی و زنگنه، ۱۳۹۲).

در صدر واپسین قطعنامه شورا در پیوند با فعالیتهای هسته‌ای ایران در ۹ ژوئن ۲۰۱۰ رییس شورای امنیت در بیانیه‌ای شش قطعنامه پیشین در این زمینه را یادآوری و بر اجرای مقررات آن تأکید ورزید. این قطعنامه‌ها عبارت بود از ۱۹۲۹ (۲۰۰۶ ژوئیه)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶ دسامبر)، ۱۷۴۷ (مارس ۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (مارس ۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (سپتامبر ۲۰۰۸) و ۱۸۸۷ (۲۰۰۹) (Un. (2010)sc,s/Res/1929).

۱-۱-۵- اثر تحریمها بر موضوعات حقوق بشر

الف) حق حیات

حق زندگی، بعنوان مهمترین و برترین حقی که دیگر حقوق از آن ناشی می‌شود، در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک و بسیاری از دیگر اسناد

● **اختیارات شورای امنیت در زمینه وضع تحریمهای اقتصادی، با دو محدودیت اساسی روبه روست:** نخست اینکه، شورای امنیت نمی‌تواند به بهانه اعمال تحریمهای اقتصادی، حقوق اساسی بشر را نادیده بگیرد. برپایه ماده ۵۰ «طرح مواد راجع به مسئولیت دولت» هرگونه رفتار متقابل که تخطی از حقوق اساسی بشر باشد، در شمار اقدامات متقابل ممنوعه قرار می‌گیرد؛ دوم اینکه، شورا نباید قواعد حقوق بشر را به گونه‌ای نادیده گیرد که موجب تهدید شدن صلح و امنیت بین‌المللی گردد، زیرا این اقدام با توجه به مسئولیت اصلی شورا در حفظ و امنیت بین‌المللی، با فلسفه وجودی خود شورا ناسازگار است.

ایرانی را از استانداردهای مناسب زندگی دور کرده است (زمانی و زنگنه، ۱۳۹۲).

پ) حق سلامت و بهداشت

حق سلامت و بهداشت و برخورداری از امکانات و خدمات پزشکی و درمانی از حقوقی است که مورد تأکید ویژه اسناد حقوق بشری قرار دارد. تحریمها با برهم زدن زیرساختهای لازم برای ارائه خدمات بهداشتی و درمانی و جلوگیری از ورود داروهای مورد نیاز بیماران گرفتار بیماریهای صعب‌العلاج، مرگ‌ومیر را افزایش داده است. همچنین افزایش بهای مواد خوراکی در سایه اوضاع دشوار ناشی از تحریمها به کاهش سرانه مصرف گوشت و لبنیات و دیگر مواد خوراکی در کشور و بالا گرفتن سوءتغذیه شهروندان انجامیده است که آثار منفی آن بر سلامت جامعه در بلند مدت نمایان خواهد شد.

ت) حق آموزش

میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، حق همگان را در دسترسی به آموزش و پرورش به رسمیت شناخته است؛ همچنان که ماده ۲۶ اعلامیه حقوق بشر

بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. آثار منفی تحریمهای شورای امنیت بر حق زندگی شهروندان ایرانی انکارناپذیر است، زیرا پیدایش فقر، ایجاد وقفه در ارائه خدمات اجتماعی، کمبود دارو، افزایش مرگ‌ومیر و... را به دنبال داشته است. برپایه گزارشها، در دوران اعمال تحریمها، بسیاری از شهروندان ایرانی به علت کمبود دارو و گسترش فقر جان خود را از دست داده‌اند.

گنجانیدن مواد دو منظوره در فهرست تحریمهای شورای امنیت سبب شده است که بسیاری از شهروندان ایرانی از حق بهره‌گیری از تجهیزات پزشکی ساخته شده از این مواد دو منظوره بازمانند و جان خود را از دست بدهند. همچنین، تحریمها به افزایش بهای مواد خوراکی و بالا رفتن نرخ تورم انجامیده و حق دسترسی به خوراک را که یکی از اصول بنیادین بشری شمرده می‌شود به خطر انداخته است.

ب) استانداردهای زندگی مناسب

بر پایه اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر کس حق دارد سطح زندگی، سلامت و رفاه خود و خانواده‌اش را از نظر خوراک، مسکن، مراقبتهای پزشکی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند. ماده ۲۵ اعلامیه حقوق بشر بر حق فرد در برخورداری از سطح مناسب زندگی و تندرستی و رفاه تأکید دارد. تحریمهای اعمال شده، با اثرگذاری منفی بر تولید، اشتغال و درآمد ملی، باعث کم شدن بازدهی اقتصادی، کاهش میزان درآمد و ایجاد شکافهای اجتماعی شده و بر سر هم سطح زندگی و معیشت شهروندان ایرانی را کاهش داده و آنان را از داشتن استانداردهای مناسب زندگی بازداشته است.

برپایه قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت، محدودیتهای اعمال شده در زمینه خدمات مالی و بیمه‌ای در مورد بخش کشتیرانی و تحریمهای بانکی هزینه ترانزیت کالاها را افزایش داده و بهای تمام شده کالا برای شهروندان ایرانی را بالا برده است و این مسئله در کنار تورم کمرشکن و نرخ بالای بیکاری، شهروندان

اینکه، شورای امنیت نمی‌تواند به بهانه اعمال تحریم‌های اقتصادی، حقوق اساسی بشر را نادیده بگیرد. برپایه ماده ۵۰ «طرح مواد راجع به مسئولیت دولت» هرگونه رفتار متقابل که تخطی از حقوق اساسی بشر باشد، در شمار اقدامات متقابل ممنوعه قرار می‌گیرد؛ دوم اینکه، شورا نباید قواعد حقوق بشر را به گونه‌ای نادیده گیرد که موجب تهدید شدن صلح و امنیت بین‌المللی گردد، زیرا این اقدام با توجه به مسئولیت اصلی شورا در حفظ و امنیت بین‌المللی، با فلسفه وجودی خود شورا ناسازگار است. (Davidson, 2003: 23-24).

۲-۵- تحریم‌های یکجانبه

کشورهای غربی و بویژه آمریکا پس از آنکه به علت مخالفت روسیه و چین نتوانستند تحریم‌های شورای امنیت بر ضد ایران را افزایش دهند، از ۲۰۱۲ به تشدید تحریم‌های خود پرداختند. گرچه تحریم‌های آمریکا بر ضد ایران پیشینه‌ای بیش از سه دهه دارد، اما تحریم‌های اعمال شده در زمینه هسته‌ای که به تحریم‌های فلج‌کننده شهرت یافته، گستردگی و شدت ویژه‌ای دارد. برسرهم، هدف از تحریم‌ها، مجازات کردن کشورهای بوده است که با اصطلاح منافع و امنیت آمریکا و همپیمانان آنرا تهدید می‌کرده‌اند. ادعا شده که هدف از تحریم در مورد ایران، جلوگیری از پشتیبانی از تروریسم بین‌المللی و تأمین مالی توسعه دستیابی به جنگ‌افزارهای ویژه کشتار جمعی و ابزارهای حمل و پرتاب آن از راه محدود کردن توان ایران بوده است.

از اواخر ۱۹۸۹ تا اکتبر ۲۰۰۸، تحریم‌های گسترده و گوناگون در زمینه صدور مواد خاص شیمیایی و تأسیساتی و کالاهای دو منظوره به ایران، تحریم‌های فراگیر در زمینه بازرگانی و سرمایه‌گذاری، اجرای قانون داماتو، تحریم چند بانک ایرانی، تحریم افراد و شرکت‌های ایرانی وابسته به سپاه و بانک ملی، نیروی قدس سپاه و بانک صادرات به علت همکاری با این نیرو، تحریم معاملات با شرکت‌های کشتیرانی و هواپیمایی ایران و

بر حق بهره‌مندی افراد از آموزش و پژوهش تأکید دارد. برپایه قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت، ایرانیان نمی‌توانند در رشته‌های مرتبط با امور هسته‌ای به تحصیل بپردازند. این، به معنای تسری دادن تحریم از دولت به شهروندان است که نقشی در این زمینه ندارند. جلوگیری دولت نروژ از ادامه تحصیل ۱۰ دانشجوی ایرانی در دانشگاه‌های آن کشور در چند رشته فنی به بهانه پیروی از تحریم‌های شورای امنیت نمونه‌ای از این دست است (درستی، ۱۳۹۱).

همچنین باید گفت که برپایه قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد، از ایران خواسته شده است فعالیت دانشمندان خود در زمینه تحقیق و توسعه در پیوند با دانش هسته‌ای را متوقف کند. این بند از قطعنامه با حق توسعه ملتها ناسازگار است.

ث) حق دفاع مشروع

حق دفاع مشروع بر پایه ماده ۵۱ منشور یک «حق ذاتی» شمرده می‌شود که جایگاه والایی نیز در حقوق بین‌الملل عرفی دارد. چنین می‌نماید که قرار دادن جنگ‌افزارهای متعارف (غیر هسته‌ای) در فهرست تحریم‌های شورای امنیت، حق ذاتی ایران در دفاع از خویش را خدشه‌دار می‌کند و می‌تواند به تضعیف نیروهای نظامی کشور بینجامد و آنرا در برابر تجاوزات احتمالی در آینده آسیب‌پذیر سازد.

اختیارات شورای امنیت در زمینه وضع تحریم‌های اقتصادی، با دو محدودیت اساسی روبه روست: نخست

● تحریم‌های آمریکا از دید حقوقی، تحریم ثانویه در مورد جلوگیری اشخاص ثالث از دادوستد با ایران شمرده می‌شود، زیرا بدین سان، ایالات متحده کشورهای دیگر را به علت معامله با کشور ثالث مورد مواخذه قرار می‌دهد. از دید استرن، تحریم ثانویه همیشه مبتنی بر اعمال صلاحیت برونمرزی و ناسازگار با مقررات حقوق بین‌المللی است.

● اعمال برونمرزی قوانین آمریکا، ناقض اصل برابری حاکمیت دولتها و اصل منع مداخله بعنوان دو اصل مسلم حقوق بین‌الملل است. امروزه اعمال برونمرزی قوانین آمریکا، تعارض جدی میان این قوانین و قوانین دیگر کشورها پدید آورده است. در این زمینه نخستین پرسشی که پیش می‌آید این است که آیا آثار اعمال برونمرزی قوانین، براساس حقوق بین‌الملل پذیرفتنی است یا نه؟ گیبینی نشان می‌دهد که اعمال برونمرزی قانون، به علت نبود رابطه متقابل و ابتدائی آن بر موضع قدرت، از بن، ضد دموکراتیک است.

شمرده می‌شود. از همین رو استدلال می‌شود که هیچ دولتی مجاز به اعمال قانون خود نسبت به خارجیان برای اعمالی که بیرون از قلمرو قانونی آن دولت انجام می‌دهند، نیست. این قاعده مبتنی بر حقوق بین‌الملل است که بر پایه آن هر قدرت حاکم، متعهد به احترام به اتباع و حقوق همه قدرتهای حاکم در بیرون از قلمرو خود است (Mann, 1990: 5). دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی درباره اصل صلاحیت در حقوق بین‌الملل عمومی مقرر می‌دارد «اکنون نخستین و مقدم‌ترین محدودیت تحمیل شده بر یک دولت به موجب حقوق بین‌الملل این است که در صورت عدم وجود یک قاعده مجاز، آن دولت می‌تواند اختیارات خود را در هر شکلی در قلمرو کشور دیگری اعمال نماید و صلاحیت در این مفهوم قطعاً سرزمینی است. هیچ دولتی نمی‌تواند در خارج از قلمروش اعمال حاکمیت کند مگر اینکه قاعده مجازی که از رسوم بین‌المللی یا قراردادهای بین‌المللی ناشی شده باشد وجود داشته باشد» (مافی، ۱۳۸۵: ۷۱).

اگر بپذیریم که حقوق معینی هست که مؤلفه‌های اساسی و بنیادی حاکمیت یک دولت را می‌سازد، بنابراین دیگر دولتها نباید اختیارات خود را به منظور تضعیف این حقوق اعمال کنند (Lowe, 1985: 740). اصل برابری حاکمیت دولتها بعنوان یک اصل عام، نیازمند برابری صلاحیت قضایی و احترام به شخصیت

سرانجام تحریم بانک توسعه صادرات ایران صورت گرفته است. (مومنی راد و موسوی فرد، ۱۳۹۱: ۱۵۰). در ۲۰۱۲ نیز بانک مرکزی ایران از سوی آمریکا تحریم شد.

تحریمهای آمریکا از دید حقوقی، تحریم ثانویه در مورد جلوگیری اشخاص ثالث از دادوستد با ایران شمرده می‌شود، زیرا بدین سان، ایالات متحده کشورهای دیگر را به علت معامله با کشور ثالث مورد موآخذ قرار می‌دهد. از دید استرن، تحریم ثانویه همیشه مبتنی بر اعمال صلاحیت برونمرزی و ناسازگار با مقررات حقوق بین‌المللی است (Stern, 1994: 6).

دولت آمریکا با اجرای برونمرزی قوانین خود، کشورهای دیگر و شرکتهای خارجی را وادار به پیروی از تحریمها کرده است و در سایه نفوذ و نقش اقتصادی و سیاسی آمریکا در جهان، بیشتر کشورها ناگزیر از پیروی از قوانین مصوب کنگره آمریکا شده‌اند. برای نمونه چهار مشتری عمده نفت ایران در آسیا (چین، هند، کره جنوبی و ژاپن)، ناچار خرید نفت خود از ایران را کاهش داده‌اند و بسیاری از بانکها و مؤسسات مالی بین‌المللی به علت نگرانی از روبه‌رو شدن با مجازاتهای دولت آمریکا، از همکاری با ایران خودداری کرده‌اند.

به نظر می‌رسد که اعمال برونمرزی قوانین آمریکا، ناقض اصل برابری حاکمیت دولتها و اصل منع مداخله بعنوان دو اصل مسلم حقوق بین‌الملل است. امروزه اعمال برونمرزی قوانین آمریکا، تعارض جدی میان این قوانین و قوانین دیگر کشورها پدید آورده است. در این زمینه نخستین پرسشی که پیش می‌آید این است که آیا آثار اعمال برونمرزی قوانین، براساس حقوق بین‌الملل پذیرفتنی است یا نه؟ گیبینی نشان می‌دهد که اعمال برونمرزی قانون، به علت نبود رابطه متقابل و ابتدائی آن بر موضع قدرت، از بن، ضد دموکراتیک است (Gibney 1996: 306-308).

از دید «مان»، در مواردی که دولتی با اعمال حقوق موضوعه خود نسبت به یک وضع معین، حقوق بین‌الملل را نقض می‌کند، عمل او خطای بین‌المللی

کشورها و رعایت یکپارچگی سرزمینی و استقلال سیاسی آنهاست. به همین منظور بند یک از ماده ۲ منشور ملل متحد اصل برابری کشورهای عضو را در راستای پایداری نظم جهانی و بعنوان شالوده همبستگی ملل متحد پیش‌بینی کرده است. در حقیقت دست زدن دولت آمریکا به مجازاتهای اقتصادی، تجاوز آشکار به حق حاکمیت دیگر کشورها و منافع مشروع شرکتها و اتباع آنها به شمار می‌رود. برپایه حقوق بین‌الملل عرفی، کشورها در فعالیتهای بازرگانی و اقتصادی خود آزادی کامل دارند. بنابراین استقلال اقتصادی، بخش اساسی حق حاکمیت است و هرگونه تهدید کردن استقلال اقتصادی، در حکم تهدید کردن حق حاکمیت کشورهاست.

بی‌گمان تحریمهای یکجانبه آمریکا و کشورهای غربی بر ضد ایران، مغایر با صلح و امنیت بین‌المللی، همبستگی اجتماعی ملتها، حق تعیین آزادانه سرنوشت و اصل دست نیازیدن به زور در روابط بین‌الملل در پرتو منشور است. این تحریمها همچنین ناسازگار با برقراری همکاریهای بین‌المللی عادلانه و منصفانه برپایه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ناقض حق توسعه اقتصادی کشورها بر پایه منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولتها و مخالف مقررات سازمان جهانی تجارت است (درستی، ۱۳۹۱).

● بی‌گمان تحریمهای یکجانبه آمریکا و کشورهای غربی بر ضد ایران، مغایر با صلح و امنیت بین‌المللی، همبستگی اجتماعی ملتها، حق تعیین آزادانه سرنوشت و اصل دست نیازیدن به زور در روابط بین‌الملل در پرتو منشور است. این تحریمها همچنین ناسازگار با برقراری همکاریهای بین‌المللی عادلانه و منصفانه برپایه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ناقض حق توسعه اقتصادی کشورها بر پایه منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولتها و مخالف مقررات سازمان جهانی تجارت است.

تحریمهای آمریکا در مورد ایران، پیمان مودت ۱۹۵۵ ناظر به روابط اقتصادی و کنسولی میان ایران و آمریکا را که از دید دیوان بین‌المللی دادگستری بخشی از مجموعه قوانین قابل اجرا در روابط ایران و آمریکاست نقض می‌کند. طبق بند یک ماده ۱۰ این پیمان «بین قلمروهای طرفین معظمین متعاهدین آزادی تجارت و دریانوردی برقرار خواهد بود». برپایه بند ۲ ماده ۸ نیز «هیچ‌یک از طرفین معظمین متعاهدین محدودیت و ممنوعیتی نسبت به ورود هرگونه محصول طرف معظمین متعاهد دیگر یا نسبت به صدور هرگونه محصولی به متعاهد دیگر قائل نخواهد شد...». روشن است که آمریکا با وضع مجازاتها بر ضد ایران، تعهداتش در این پیمان مودت را نقض کرده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی نیکاراگوئه، اعمال مجازاتهای آمریکا بر کل تجارت نیکاراگوئه را مورد توجه قرار داده و اعلام کرده است «هنگامی که چنین تعهدی از نوع مذکور در معاهده دوستی و تجارت وجود دارد، اقدام شدید به قطع مناسبات تجاری در قالب تحریم کلی تجاری اول می ۱۹۸۵، به‌طور معمول نقض تعهد مبنی بر زیر پا نگذاشتن هدف و مقصود این معاهده شمرده می‌شود.»

تحریمها همچنین با بیانیه الجزایر که در ۱۹۸۱ میان ایران و آمریکا برای پایان دادن به بحران گروگانگیری امضا شد، ناسازگار است. تعهد آمریکا طبق بند ۱۰ بیانیه الجزایر دایر بر لغو همه تحریمهای تجاری علیه ایران پس از نوامبر ۱۹۷۹، نیز اجازه وضع مجدد تحریمهای مشابه را به آن دولت نمی‌دهد.

همچنین هدف تحریمهای آمریکا، قطع روابط ایران با دیگر دولتها و اثرگذاری بر امور داخلی این کشور، با اجبار و بدون هرگونه توجیه حقوقی است و بنابراین با بند یک بیانیه الجزایر که هرگونه مداخله آمریکا در امور ایران را منع می‌کند، مغایرت دارد.

گرچه برپایه فصل هفتم منشور ملل متحد، شورای امنیت وظیفه دارد با ابزارهای گوناگون از جمله تحریم در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی گام

● **تحریمهای آمریکا در مورد ایران، پیمان مودت ۱۹۵۵ ناظر به روابط اقتصادی و کنسولی میان ایران و آمریکا را که از دید دیوان بین‌المللی دادگستری بخشی از مجموعه قوانین قابل اجرا در روابط ایران و آمریکاست نقض می‌کند.** روشن است که آمریکا با وضع مجازاتها بر ضد ایران، تعهداتش در این پیمان مودت را نقض کرده است.

شمرده شود (زمانی و مظاهری، ۱۳۹۰).

نتیجه‌گیری

کاربرد مجازاتهای اقتصادی از سوی آمریکا، تجاوز آشکار به حق حاکمیت دیگر کشورها و منافع مشروع شرکتها و اتباع آنهاست. اقدامات یکجانبه آمریکا در تحریم ایران، ناقض اصل همزیستی مسالمت‌آمیز دولتهاست که منوط به محترم شمرده شدن اصول اساسی حقوق بین‌الملل یعنی حقوق دولتها، عدم مداخله، همکاری و دوستی و احترام به استقلال و یکپارچگی سرزمینی آنهاست. اقدامات آمریکا همچنین مغایر با صلح و امنیت جهانی، همبستگی اجتماعی ملتها، حق تعیین آزادانه سرنوشت و دست نیازیدن به زور در روابط بین‌المللی در پرتو منشور سازمان ملل متحد است.

این‌گونه اقدامات چون مشروعیت ندارد از وجاهت بین‌المللی نیز بی‌بهره است. از این‌رو در فرایند تحریمهای بین‌المللی باید بر جنبه‌هایی چون مشروعیت، ضرورت و تناسب آنها و همچنین اثر این تحریمها بر غیر نظامیان بیگناه، توجه ویژه داشت. بیوند ملاحظات و ارزشهای اخلاقی با ایده اعمال حقوق بین‌الملل از راه تحریمها و نظارت مؤثر بر آنها امری ضرور است. نظام بین‌الملل کنونی در نبود یک مرجع جهانی ناظر بر دولتها، نیازمند احترام متقابل و نزاکت و همکاری میان دولتهاست. از آن‌رو که نزاکت مبتنی بر مفهوم برابری کشورهاست، رعایت آن به حفظ و بهبود روابط دوستانه میان دولتها کمک چشمگیر خواهد کرد.

بردارد، اما این صلاحیت مشروط به شروطی از جمله رعایت هدفها و اصول ملل متحد است. در حقیقت شورای امنیت باید بر پایه حقوق بین‌الملل و بویژه منشور وظایف خود را انجام دهد. تجربه نشان می‌دهد که اقدامات تحریمی جز در مواردی اندک، منجر به دگرگونی رفتار دولت هدف تحریم نشده و سازمان ملل و دولتهای تحریم کننده، بهره‌ای از این کار نبرده‌اند. تنها اثر تحریم، پایمال شدن گسترده حقوق بشر و افزایش درد و رنج شهروندانی بوده است که هیچ نقشی در سیاستهای دولتهای خود نداشته‌اند.

از این‌رو سازمان ملل متحد و کشورهای غربی با وضع تحریمهای ناقض هنجارهای بنیادین حقوق بشر که برخی از آنها همچون حق حیات، به صورت قاعده آمره درآمده‌اند، مرتکب تخلف از قوانین بین‌المللی مندرج در منشور ملل متحد و پیمانهای بین‌المللی حقوق بشری شده‌اند و دارای مسئولیت بین‌المللی هستند و باید آثار ناشی از مسئولیت بین‌المللی، از جمله لزوم برگرداندن وضع به حالت پیشین و جبران خسارت بپذیرند.

برخی دولتها در موافقتنامه‌های دو جانبه مودت و آزادی تجارت، یکدیگر را متعهد به برقراری تجارت آزاد کرده‌اند. پیمان مودت و تجارت میان ایران و آمریکا یکی از بهترین نمونه‌هاست که پس از فراز و نشیبهای بسیار در روابط دو کشور کماکان از سوی دو دولت معتبر شمرده می‌شود. این پیمان طرفین را ملزم به برقراری بازرگانی آزاد میان اتباع یکدیگر کرده و تحریمهای یکجانبه آمریکا بر ضد ایران نقض صریح آن شمرده می‌شود. به همین سان، کشورهای اروپایی موافقتنامه‌های متعدد در زمینه‌های گوناگون اقتصادی و مالی، بانکی و مالیاتی با ایران دارند که توسط نهادهای قانونی دو کشور تصویب شده و لازم‌الرعايه است. «موافقتنامه ۲۰۰۳ در مورد سرمایه‌گذاری متقابل میان ایران و فرانسه»، «کنوانسیون سال ۲۰۰۴ در مورد مصونیت دولتها» از جمله موافقتنامه‌های دو جانبه است که تحریمهای وضع شده می‌تواند نقض یکجانبه آنها

اسلامی ایران به گونه‌ای که مورد انتظار آمریکا بوده نشده است، ولی بی‌گمان در صورت نبودن تحریم، اقتصاد کشور وضع بهتری می‌داشت. تحریمهای اقتصادی آمریکا نه تنها تنگنانهایی در راه خرید و وارد کردن کالا از خارج پدید آورد، بلکه به افزایش شمار واسطه‌ها در دادوستدها با خارج، افزایش هزینه‌های ترابری و بیمه و به درازا کشیدن توقف کشتیها و مدت زمان حمل کالای ضرور انجامید. آشفته‌گی سیستم توزیع، احتکار و گرانیفروشی، پیدایش بازار سیاه برای بسیاری از کالاها را می‌توان از دیگر آثار تحریمهای آمریکا دانست.

منابع و مأخذ

- ایوانر، گراهام و جفری، نونام (۱۳۸۱)، فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طراز کوهی، تهران، نشر میزان.
- حدادی، مهدی (۱۳۸۲)، «تحریمهای بین‌المللی: ابزار سیاست ملی یا ضمانت اجرای بین‌المللی»، اندیشه‌های حقوقی، ش ۳
- خواجهی، غلامرضا (۱۳۹۱)، «تحریم اقتصادی از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر حقوق بین‌الملل اقتصادی و حق توسعه»، حقوق اقتصادی، ش ۲.
- درستی، محمدرضا (۱۳۹۱)، «تحریمهای اقتصادی آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل»، رویدادها و تحلیلها، ش ۲۶۶.
- زایدل - هوهن فلدرن، آیگناتس (۱۳۹۶) حقوق بین‌المللی اقتصادی، ترجمه سید قاسم زمانی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
- زمانی، قاسم و جعفر زنگنه شهرکی، (۱۳۹۲)، «تحریمهای بین‌المللی ناقض حقوق بشر: از چالش مشروعیت حقوقی تا مسئولیت بین‌المللی»، راهبرد، ش ۶۷.
- ----- و جمشید مظاهری، (۱۳۹۰)، «تحریمهای هوشمند شورای امنیت در پرتو قطعنامه ۱۹۲۹: حفظ یا تهدید صلح؟» مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۴۴.

گرچه مجازاتهای اقتصادی را می‌توان بخشی از نظام اجرایی بین‌المللی به‌شمار آورد، ولی این مجازاتها نباید یک‌جانبه اعمال شود. جامعه بین‌المللی باید در جستجوی چارچوبی مشترک برای یک نظام مجازات قابل اعمال جهانی با هدفهای مشترک باشد. در این راستا، فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، وظیفه تشخیص تهدید بر ضد صلح یا عمل تجاوز را برپایه ماده ۳۹ و اتخاذ مکانیسم اجرایی مقتضی به موجب مواد ۴۱ (عدم توسل به نیروی مسلح) و ۴۲ (توسل به نیروی مسلح) منشور به شورای امنیت تفویض کرده است. رعایت مجازاتهای وضع شده از سوی شورای امنیت برپایه مقررات فصل هفتم منشور برای همه اعضای سازمان ملل متحد و به استناد ماده ۲۵ منشور که اساس نظام امنیت بین‌المللی شمرده می‌شود اجباری است. همچنین برپایه بند ۲ ماده ۴۸ منشور، اعضای سازمان متعهد به اجرای قطعنامه‌های مصوب شورای امنیت هستند.

برپایه بند یک ماده ۲۴ منشور، اعضای سازمان مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار و موافقت می‌کنند که شورا از سوی آنها اقدام کند. بی‌گمان تحریمهای یک‌جانبه آمریکا مغایر با تضمین صلح و تحکیم امنیت جهانی، همبستگی اجتماعی ملتها، شناسایی حق تعیین آزادانه سرنوشت و دست نیازیدن به زور در روابط بین‌الملل در پرتو منشور سازمان ملل متحد است. این تحریمها همچنین، منافی برقراری همکاریهای بین‌المللی عادلانه و منصفانه برپایه میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مصوب ۱۹۶۶)، ناقض حق توسعه اقتصادی کشورها در منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولتها (۱۹۹۷) و مخالف با مقررات سازمان تجارت جهانی (مصوب ۱۹۹۵) است که طلاهدار گسترش و توسعه نظام بازرگانی آزاد متکی بر چندجانبه‌گرایی در سطح بین‌المللی است.

هرچند تحریمهای آمریکا مایه تغییر رفتار جمهوری

from South Africa», **London :MacMillan Press Ltd.**

- Davidson. Elias (2003), "Legal Boundaries to UN Sanction", **The International Journal of Human Rights**, 4(7)

- Doxy, Margaret, (1972), "International Sanctions: a Framwork for Analysis with Special Report of the U.N and Southern Africa". **International Organization** 3(26)

- George, A (1997), "Forceful Persuasion: Coercive , **Washington**,»Diplomacy as an Alternative to War **D.C. United States Institute of Peace Press.**

The Extraterritorial"- Gibney, Mark P. (1997). Application of U.S. Law: the Perversion of Democratic Governance, the Reversal of Institutional Rols, and the Imperative of Establishing Normative Principles», **Boston College Law Rev**, 2 (21)

- Lowe, Voughan (1997), "U.S Extraterritorial Jurisdiction, The Helms-Burton and Damatos Acts" **The International and Comparative Law Quarterly** 2 (46)

- Mann, F.A (1990), **Further Studies in International Law**, Oxford, Oxford university Press.

Can the United States Set"- Stern, Brigitte (1997), Rules for the World?, a French View» **Journal of World Trade** 4 (31)

- Schaub, G. (1998), "Competence: Resuscitating the Concept" in: L. Freedman (eds), **Strategic Coercion: Concepts and Cases**, Oxford, Oxford University Press.

- زهرانی، مصطفی (۱۳۸۷)، «مبانی نظری تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران: موانع و چالشهای نفت ایران»، بررسی مسائل اقتصادی انرژی، ۲(۱)

- عباسی اشقلی، مجید (۱۳۸۰)، «مداخلات بشردوستانه و اصل عدم مداخله» **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، ش ۱۶۹.

- علیخانی، حسین (۱۳۸۰)، **تحریم ایران، شکست یک سیاست**، ترجمه محمد تقی نژاد، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- فرهی، فریده (۱۳۷۶)، «شناخت تحریم امریکا علیه ایران»، **سیاست خارجی**، ۱(۱۱)

- مافی، همایون (۱۳۸۵). «تأملی بر تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل»، **حقوق و علوم سیاسی**، (۱)

- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۴)، «تأثیر سیاست تحریم بر مذاکرات هسته‌ای»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، ۳(۱۱)

- ممتاز، جمشید (۱۳۸۹)، «انطباق تحریمهای اقتصادی شورای امنیت با حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، **حقوق**، ش ۴.

- مومنی راد، احمد. سید حسین موسوی فرد، (۱۳۹۱)، «موازن وضع تحریمهای شورای امنیت و قطعنامه‌های هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران»، **مطالعات حقوق بشر اسلامی**، ۲(۱)

(1988). «International Economic - Barrye, Carter. Haphazard U.S Legal Sanctions: Improving the Regime». **California Low Review** 4 (75)

- Bratton, P (2005), When is Coercion Successful?, **Naval War College Review**, 3(58)

- Brownlie. Ian (1990), **Principles of Public International Law**, Oxford. Clarendon Press.

How Sanctions Work:Lessons"- Crawford, N.C. (1990),